

نقش ایمان مذهبی در آمادگی دفاعی

علی اصغر الهامی نیا
عضو هیأت علمی پژوهشکده
تحقیقات اسلامی

چکیده

مقاله حاضر در صدد بیان نقش ایمان مذهبی در آمادگی دفاعی است. ارتشهای دنیا از آغاز تاریخ تاکنون با انگیزه‌های گوناگونی به جنگ یا دفاع برخاسته‌اند و گاه هزاران و حتی صدها هزار کشته و مجروح داده‌اند تا بتوانند به اهداف خود دست یابند. در میان انبوه این انگیزه‌ها و اهداف، که هنوز هم تقریباً همه کشورهای دنیا را به ایجاد آمادگی در نظامیانشان واداشته و بیشترین سهم از درآمد دولتها را به خود اختصاص داده، «ایمان به خداوند» و پیامبر او و دستوراتش، از چنان جایگاهی برخوردار است که قابل مقایسه با دیگر انگیزه‌ها نیست و تأثیری که ایمان مذهبی در ایجاد آمادگی و حمله و دفاع دارد، در هیچ یک از دیگر انگیزه‌ها وجود ندارد. رزمنده‌ای که خود و اعمالش را در برابر خدا می‌بیند، در آمادگی کامل تری به سر می‌برد و در جنگ و دفاع، همواره خود را پیروز میدان می‌داند، چه به ظاهر بر دشمن غلبه کند و چه در میدان جنگ و یا در حالت آمادگی برای دفاع، شهید شود. اکنون نیز در کشور اسلامی ایران، هر قدر ایمان مذهبی پاسداران و بسیجیان بیشتر باشد - همانند زمان دفاع مقدس - کشور برای مقابله با همه دشمنان، در زمینه سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، آمادگی بیشتری خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی مقاله عبارتند از: ایمان، ایمان مذهبی، دفاع و آمادگی دفاعی.

پیشینه ارتباط ایمان مذهبی و آمادگی دفاعی و میزان نقش آفرینی ایمان مذهبی در چگونگی آمادگی دفاعی، به اولین انسان مؤمن بر روی زمین می‌رسد، اما نمونه‌ی اکمل آن را باید از آغازین سالهای تاریخ درخشان امت اسلامی جست و جو کرد؛ مسلمانان در طول چهارده قرن همواره همراه ایمان خویش زیسته و به پشتوانه ایمانشان جنگیده، خون داده، زندان کشیده، آواره شده، شکنجه دیده، سکوت کرده و انقلاب نموده‌اند.

همچنین انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس جانانه از آن، پیوند ناگسستنی ایمان مذهبی مردم این مرز و بوم با میزان آمادگی و حماسه آفرینی و ایثار آنان را نشان داد. سلحشوران این خطه، نه به قوت سلاح مادی پیشرفته و تاکتیکهای دانشگاههای جنگ جهان، بلکه به پشتوانه سلاح ایمان و اعتقاد خود به میدان جنگ رفتند و با دشمن رو به رو شدند. امکانات ظاهری دشمن بسیار پیشرفته‌تر، به روزتر و مخرب‌تر از امکانات رزمندگان ایران اسلامی بود، اما به دلیل گرمای حاصل از آتش عشق و ایمان سلحشوران ایران اسلامی، در جای خود متوقف شدند.

اکنون نیز بیش از گذشته، ایران اسلامی نیازمند مردانی است که استواری و صلابت و روحیه دشمن ستیزی شان، گرم از ایمان مذهبی شان باشد و از عقیده خالص توحیدی شان و عشق به امامان معصومان نیرو بگیرند و در مقابل حملات سخت و نرم دشمنان اسلام و ایران بایستند.

مقاله حاضر می‌کوشد به اختصار نقش ایمان مذهبی را در آمادگی روحی و جسمی رزمندگان اسلام تبیین نماید و برای نیل به این هدف خود، از آیات قرآن کریم، روایات شریف و نیز سخنان عالمان دین و سیره شهیدان عزیز، بهره جسته است.

مفهوم شناسی

۱- ایمان: ایمان در اصطلاح اهل شرع: «راست دانستن و تصدیق هر آن چیزی است که پیامبر (ص) آورده است.» و ارکان آن عبارت است از اقرار به زبان، تصدیق به دل و عمل به اعضا و جوارح.^(۱)

از چنین ایمانی که خاستگاه آن، جهان بینی توحیدی است و گرایش‌های معنوی و والایی را در پی دارد، به «ایمان مذهبی» تعبیر می‌کنیم:

«گرایش‌های معنوی و والای بشر، زادهٔ ایمان و اعتقاد و دل‌بستگی‌های او به برخی حقایق در این جهان است که آن حقایق، هم ماورای فردی است، عام و شامل است و هم ماورای مادی است، یعنی از نوع نفع و سود نیست. این گونه ایمانها و دل‌بستگی به نوبهٔ خود مولود برخی جهان بینی‌ها و جهان‌شناسی هاست که یا از طرف پیامبران الهی به بشر عرضه شده است و یا برخی فلاسفه خواسته‌اند نوعی تفکر عرضه نمایند که ایمان زا و آرمان خیز بوده باشد.»^(۲)

موارد تعلق ایمان

ایمان به چه؟

گفتیم که ایمان، یعنی تصدیق و باور. بنابراین به چیزی ایمان داشتن یعنی اعتراف به حقایق آن چیز این تصدیق، به تدریج در دل انسان مؤمن، ایجاد وابستگی و دل‌بستگی می‌کند. از امتیازات ایمان مذهبی آگاهانه این است که مؤمن به حقایق عالم و مقدساتی ایمان پیدا می‌کند که شایستگی این دل‌باختگی و وابستگی را دارند، بر خلاف ایمان نا آگاهانه که شخص بر اثر جهل و تعصبات به چیزهایی باور پیدا می‌کند که هیچ و پوچ اند و کمترین ارزش دل‌بستگی را نیز ندارند. چنین ایمانی، منفی، نزولی و در واقع کفر است. ایمان به «جبت و طاغوت» (نساء، آیه ۵۱) و ایمان به «باطل» (نحل: آیه ۷۲) از این قبیل است. ایمان مذهبی به امور زیر تعلق می‌گیرد:

الف - خدا و اسمای حسنی الهی: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

ایمان واقعی به خدا - که از آن به توحید نیز تعبیر می‌شود - ایمان به خدایی است که:

- ۱ - منبع و مرکز همهٔ خوبی‌ها و پدید آورندهٔ همهٔ عالم و اداره کنندهٔ کل جهان هستی است.
- ۲ - بر هر کاری تواناست و به همه چیز علم و آگاهی دارد حتی از افتادن یک برگ از درخت.^(۳)

- ۳ - او بر عرش فرمان روایی عالم اشراف دارد و علاوه بر اینکه «فعال مایشاء» است، «مالک یوم الدین» نیز هست و او همان طور که در آسمان خداست، در زمین نیز خداست^(۴)
- ۴ - دارای صفات و اسمای حسنی گوناگونی است که هر یک از آنها نشان دهندهٔ کمالات و خوبیهای بی‌انتهای اوست که بندگان بر اساس نیاز خود او را با آن نام می‌خوانند:

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (اعراف: ۱۸۰)

و برای خدا نامهای نیک است؛ خدا را به آن (نامها) بخوانید و کسانی را که در اسمای خدا

تحریف می‌کنند، رها سازید. آنها به زودی جزای اعمالی را که انجام می‌دادند می‌بینند.

آن چنان که در دعای «جوشن کبیر» آمده، خداوند دارای هزار و یک نام است و آگاهی به آن نامها و کارآمدی و نقش هر یک از آنها در عالم آفرینش این نتیجه را به دست می‌دهد که «لَيْسَ فِي الدَّارِ غَيْرُهُ دَبَّارٌ»؛ در خانه هستی کسی جز او نقش ندارد؛ هر چه هست از اوست و همه به سوی او می‌روند و او از چنان حضور و نقش فعالی برخوردار است که جایی برای خدای دیگری باقی نگذاشته و عالم آفرینش هیچ نیازی به غیر او ندارد و «غیرتش غیر در جهان نگذاشت».

ب - ایمان به غیب

مؤمنان حقیقی در می‌یابند که همه هستی - از جمله خود خدا و فرشتگان - از نسخ ماده و دبدنی نیستند و پدیده‌های فراوانی وجود دارد که از تیررس چشم آدمی فاصله فراوان دارند و به تعبیر قرآن در برابر «عالم شهود»، «عالم غیب» قرار دارد؛ «الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ» (بقره: ۳) عرش، لوح محفوظ، بیت المعمور، سدره المنتهی و... مسائل غیبی است که مؤمنان آگاه، آنها را باور دارند؛

«وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ آمَنَ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ...» (بقره: ۲۸۵)

و همه مؤمنان به خدا و فرشتگان او و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند.

ج - ایمان به پیامبران، امامان و قرآن

در آیه گذشته، ایمان به پیامبران و کتابهای آسمانی در کنار ایمان به خدا و فرشتگان مطرح شده که نشان دهنده این نکته است که مؤمنان آگاه، به همه پیامبران الهی ایمان دارند و می‌گویند: «لا تفرق بين أحدٍ من رُسُلِهِ» (بقره: ۲۸۵) ما میان هیچ یک از پیامبران تفاوت نمی‌گذاریم. و در خصوص بزرگترین پیامبر الهی حضرت محمد (ص) نیز قرآن می‌فرماید:

«قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعاً... فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (اعراف: ۱۵۸)

بگو: ای مردم من فرستاده خدا به سوی همه شما هستم... پس ایمان بیاورید به خدا و پیامبرش، آن پیامبر اُمّی که به خدا و کلماتش ایمان دارد و از او پیروی کنید تا هدایت یابید.

بنابراین مؤمنان راستین، با ایمان به پیامبر (ص) تلاش می‌کنند علاوه بر قرآن و شریعتی که از سوی آن حضرت ابلاغ می‌شود، با افکار، اخلاق، سنت و اندیشه‌های بلند او آشنا

شوند و باور کنند که او کامل ترین انسان جهان آفرینش از هر نظر است و امکان ندارد کس دیگری اندیشه یا اسوه بهتری ارائه دهد که کمترین امتیازی بر پیامبر اسلام داشته باشد. تسلیم محض بودن در برابر پیامبر و امر و نهی او و آشنایی با خلق و خوی عظیم ایشان - که الگوی تمام نمای خواست خداست - همان ایمان به خدا و تسلیم در برابر خدا و رضایت به کارهای خداست چرا که پیامبر در هیچ اندیشه و عملی کمترین ناهماهنگی را با اراده الهی ندارد. (۵)

ایمان به قرآن مجید نیز بخشی از ایمان مذهبی است. (۶) ایمان به قرآن نیز همانند ایمان به پیامبر بدین معناست که آن را کامل ترین کتاب آسمانی بدانیم و هیچ کتاب و سخنی را همطراز آن ندانیم و باور کنیم که همه آیات قرآن سخن خدا و حق و سعادت آفرین است و امکان ندارد سخن یا نوشته‌ای بهتر از قرآن پدید آید یا راه بهتری را بر آدمیان بنماید. در رویارویی نظرات علمی، تاریخی، عقیدتی و... با قرآن مجید، بدون تردید حق را جانب قرآن بدانیم و حتی قرآن را ملاک سنجش حق و باطل قرار دهیم و همه افکار و عقاید و آرای دیگران را با قرآن بسنجیم چنانکه معنای «فرقان» - که از نامهای قرآن مجید است - همین است.

ایمان به ولایت و امامت حضرت علی (ع) و فرزندان معصوم او نیز جزئی از ایمان آگاهانه است.

در قرآن مجید، آیات ولایت (مائده: ۵۵)، اکمال دین و اتمام نعمت و بلاغ (مائده ۳ و ۶۷)، مباحله (آل عمران: ۶۱)، تطهیر (احزاب: ۳۳) و بسیاری از آیات دیگر بر این امر دلالت دارند. همین طور روایات متعدد و متواتر پیامبر اکرم (ص) بر این موضوع تصریح دارد، مانند روایت متواتر «أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلَيَّ بَابُهَا» (۷) که هم در کتب روایی شیعه و هم کتابهای روایی اهل سنت نقل شده است. ایمان به خدا و پیامبر و غیب و... جز از طریق علوم و معارفی که از ناحیه پیامبر برسد امکان ندارد و شخص رسول اکرم (ص) کلید دست یابی به معارف حق و ناب خود را به دست امیر مؤمنان (ع) سپرده و امکان ندارد کسی جز از طریق ولایت حضرت علی (ع) به ایمان واقعی و آگاهانه دسترسی پیدا کند. ابن عساکر در تاریخ دمشق از رسول خدا (ص) چنین نقل می‌کند:

مَنْ لَمْ يَقُلْ عَلِيٌّ خَيْرُ النَّاسِ فَقَدْ كَفَرَ (۸)

هر کس نگوید که علی (ع) بهترین مردم است قطعاً کافر شده است.

د - ایمان به معاد

باور داشتن روز جزا و اینکه خداوند در آن روز به اعمال بندگان رسیدگی می‌کند، نیکان

را پاداش نیکو می‌دهد و بدکاران را کیفر می‌کند نیز از اصول ایمان مذهبی است و از اصل ایمان و توحید جذابیت و قرآن مجید در وصف مؤمنان می‌فرماید:

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ...

به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آورند.

درجات ایمان

آدمیان از نظر فکر و روح و ظرفیت‌های معنوی و ذهنی یکسان نیستند و به همین دلیل در ایمان نیز متفاوت‌اند؛ ایمان برخی قوی، ایمان برخی متوسط و ایمان عده‌ای نیز ضعیف است. عبدالعزیز قراطیسی روایتی از امام صادق (ع) نقل کرده که طی آن، ایمان به ده درجه تقسیم بندی شده است، مانند نردبانی که ده پله دارد و همه آن درجات نیز مطلوب و پسندیده است و هیچ کس حق ندارد بر کسانی که در درجه پایین هستند خرده بگیرد.^(۹) سریر نیز می‌گوید: امام باقر (ع) به من فرمود:

مؤمنان، منزلت‌های گوناگونی دارند؛ برخی یک درجه ایمان دارند و برخی دو، سه، چهار، پنج، شش یا هفت درجه؛ و ممکن است اگر مرتبت دوم را بر صاحب درجه اول عرضه کنند، توان تحمل آن را نداشته باشد همین طور مرتبت سوم را بر صاحب درجه دوم و...^(۱۰)

دفاع

دفع دشمن - به هر وسیله ممکن - بر خاسته از فطرت هر انسان و غریزه هر حیوان است و موجودات زنده - بدون استثنا - در برابر دشمن از خود به دفاع می‌پردازند و دست پر قدرت آفرینش وسیله دفاعی مناسب را نیز در اختیار همه آنها قرار داده است و باید گفت ضرورت دفاع در برابر هر گونه هجوم نیازمند هیچ دلیلی نیست و این از حقوق اولیه هر موجود زنده است که در برابر دشمن به دفاع از خویش بپردازد. قوه «غضب» در آدمی چنین نقشی را بر عهده دارد و انسان را در برابر هر گونه هجوم و زیان احتمالی به آنچه که به او تعلق دارد بر می‌انگیزاند و به دفاع وا می‌دارد.

بنابراین، دفاع، امری فطری، مشروع و فراگیر است، به گونه‌ای که اگر موجود زنده‌ای در برابر دشمنی که به او حمله آورده به دفاع برنخیزد باید در سلامت غریزه یا فطرت او تردید کرد.

«غافلگیری» یکی از اصول مهم جنگ است. همین موضوع، ضرورت آمادگی را موجب شده است و هیچ جا نداری تا زنده است از ابزار و تمهیدات دفاعی دست نمی‌شوید. این ابزار و تمهیدات به تناسب پیشرفت سلاحهای تهاجمی پیشرفت کرده است زمانی انسان برای دفاع در برابر شمشیر از سپر چوبی یا فلزی استفاده می‌کرد و امروزه تکنولوژی دفاع بسیار گسترده و پیچیده شده که بخشی از آن «سپر و دفاع موشکی» در برابر موشکهای مخرب قاره پیماست.

در فرهنگ عربی و اسلامی، «عُدّه» به معنای آمادگی، مهیا شدن و چیزی را برای روز مبدا ذخیره کردن است و در اصطلاح عبارت است از آمادگی رزمی و تهیه مال و سلاح برای پیشامدهای احتمالی. (۱۱)

گستره دفاع و آمادگی

چگونگی و اندازه دفاع و آمادگی، بستگی به شرایط روز، نوع دشمن، سلاح و تاکتیک‌های جنگی او و میدان‌های تهاجم دارد. گرچه واژه‌های دفاع و آمادگی در مرحله نخست، دفاع نظامی و برخورد فیزیکی در میدان نبرد را به ذهن متبادر می‌سازد ولی دشمنان ما همیشه از یک‌جبهه و به یک‌شکل، موجودیت ما را مورد هجوم قرار نمی‌دهند، بلکه از راه‌های گوناگونی برای اغراض شوم خویش سود می‌جویند که همه آنها آمادگی و دفاع خاص خود را می‌طلبد و رویارویی در همه آن صحنه‌ها «جهاد فی سبیل الله» محسوب می‌شود. امروز دشمنان اسلام علاوه بر یورش‌های نظامی و تسخیر و غصب سرزمین‌های اسلامی و کشتار مسلمانان و بی‌گناهان و مظلومان، در میدان‌های سیاسی، ورزشی، اقتصادی، اطلاعاتی، صنعتی، تجاری، فرهنگی، هنری و... دست به مبارزه زده و طبیعی است که هر یک از انواع حملات یاد شده آمادگی و دفاع خاص خود را می‌طلبد و بسنده کردن به آمادگی نظامی چیزی جز ساده لوحی نخواهد بود. افزودن سرعت اطلاع رسانی و رسانه‌های و فناوری شگفت‌انگیز رایانه و اینترنت نیز مزید بر علت می‌شود و با یک حساب سرانگشتی به این نتیجه می‌رسیم که نه تنها حد و حدودی برای دفاع و آمادگی نمی‌توان تعیین کرد، بلکه باید گفت چاه و بلی است که سر و ته آن را دشمن تعیین می‌کند.

ارتباط ایمان با آمادگی دفاعی

جهان بینی اسلامی بر اساس «توحید» بنا شده و هر چیزی بر محور «خدا» معنا پیدا می‌کند و آدمی باید به جایی برسد که مخاطب این جمله قرآن قرار بگیرد که:

قُلْ اِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ (انعام / ۱۶۲)

بگو: «نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند، پروردگار جهانیان است.» به همین دلیل در سراسر قرآن «جهاد» همواره با قید «فی سبیل الله» همراه است و مجاهد مسلمان باید برای خدا، در راه خدا، به فرمان خدا و قربه الی الله دست به سلاح ببرد و همیشه این سفارش قرآن را آویزه گوش کند که:

قُلْ اِنَّمَا اعِطَکُمْ بِوَاٰحِدَةٍ اَنْ تَقُوْمُوْا لِلّٰهِ مَثْنٰی وَفُرَادٰی... (سبأ / ۴۶)

بگو: تنها شما را به یک چیز اندرزمی دهم و آن اینکه دو تادوتا یا یکی یکی برای خدا قیام کنید. بنابراین، مؤمن هر قیام و قعودی را برای خدا و در راستای کسب رضایت و خشنودی او انجام می‌دهد و هرچه عمل او مهم‌تر و بزرگ‌تر باشد، ارتباط آن با رضای الهی نیز محسوس‌تر است؛ از جمله در دفاع و جهاد، که پای کشتن و کشته شدن در میان است و مسأله مرگ و زندگی است و بذل جان و مال را می‌طلبد و قرآن مجید معیار جنگ حق و باطل را همین خدا محوری می‌داند و می‌فرماید:

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ...

(نساء / ۷۶)

کسانی که ایمان دارند در راه خدا پیکار می‌کنند و آنها که کافرند در راه طاغوت. وقتی انسان با انگیزه ایمان به خدا می‌جنگد، ارزش کار او را فقط خدا می‌داند چنانکه پاداش او را نیز کسی جز خدا نمی‌تواند پرداخت کند. به همین دلیل خداوند خود خریدار جان و مال مؤمنان مجاهد است:

اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰی مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ اَنْفُسَهُمْ وَ اَمْوَالَهُمْ بِاَنْ لَهُمْ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُوْنَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَيَقْتُلُوْنَ وَ يُقْتَلُوْنَ... (توبه / ۱۱۱)

خداوند، جان و مال مؤمنان را در ازای بهشت خریداری کرده است؛ آنان در راه خدا پیکار می‌کنند، می‌کشند و کشته می‌شوند.

امام خمینی (ره) به مؤمنان سلحشوری که حماسه دفاع مقدس را آفریدند می‌فرماید:

شما دو مطلب را متحقق کردید که با این دو مطلب کسی که از سنخ بشر - جز آنکه از اولیای خدا باشد و الهام از خدا گرفته باشد - نمی‌تواند تقدیر شما را بکند؛ یکی بزرگترین سرمایه

خودتان - که آن حیات است - را در طبق اخلاص گذاشتید و دیگر اینکه این هدیه را با اخلاص در طبق اخلاصتان گذاشتید... فتح هایی که نصیب شما شده است، خصوصاً در فتح مبین - گرچه با هیچ معیاری نمی توان آن را سنجید و با هیچ زمانی نمی توان آن را توصیف کرد لکن آنچه که بالاتر از همه آنهاست، این صداقت شما و اخلاص شما در بارگاه حق تعالی است. (۱۲)

مؤمن به خوبی می داند که ایمان و اسلام و کشور اسلامی، دشمنان خرد و کلان و پیدا و پنهانی دارد که از هر فرصتی برای ضربه زدن به اسلام و مسلمانان استفاده می کنند و این اندیشه شیطانی از زمانی که دین در روی زمین بوده تا کنون و تا ابد در ذهن کافران و مشرکان بوده و خواهد بود. بنابراین بر هر مؤمنی فرض است که در حد توان و امکان از کیان اسلام و مسلمانان مراقبت کند. چنانکه در فقه اسلامی آمده است:

هرگاه دشمن به سرزمین مسلمانان و یا به مرزهای آنان حمله کند به طوری که بیم نابودی اسلام و جامعه اسلامی برود، بر همه مسلمانان واجب است با هر وسیله ممکن به دفاع برخیزند و در این راه از بذل جان و مال دریغ نورزند، در این مورد حضور امام (معصوم) و اذن او یا اجازه نایب خاص یا نایب عام آن حضرت نیز شرط نیست، بلکه بر هر مکلفی، دفاع با هر وسیله و بدون قید و شرط واجب است. (۱۳)

«دفاع همه جانبه»، «آمادگی همه جانبه» را می طلبد و مسلمانان برای دستیابی به چنین منظوری باید راهکارهای اساسی را پیش بینی کنند.

اهداف دفاع

چنان که پیشتر اشاره شد، اصل دفاع و آمادگی، امری فطری و غریزی است و نیازی به دلیل و برهان ندارد، اما آنچه به آن ارزش و اعتبار، حتی تقدس می بخشد، جهت گیری و غایت و هدف دفاع است. به همین دلیل در آیه ارهاب، دشمن خدا بر دشمن خویش مقدم شده و خداوند به مسلمانان فرمان داده به گونه ای آمادگی خویش را تقویت کنند که نخست دشمن خدا را به هراس افکنند آنگاه دشمنان خود را. چنین انگیزه ای به آمادگی و جنگ و جهاد رنگ خدایی می دهد؛ چرا که هدف آن را تا خدا ارتقا می بخشد. در چنین دفاع و آمادگی ای اهداف زیر مد نظر قرار می گیرد:

۱/۱ - پاسداری از نظام ارزشی اسلام

اسلام، تنها دین کامل و مورد قبول خداست و جز آن، هیچ آیین و مکتبی مورد پسند ذات اقدس الهی نیست:

«وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ...» (آل عمران / ۸۵)

و هر کس جز اسلام آیینی را گردن نهد، هرگز پذیرفته نخواهد شد.

دلیل آن نیز روشن است و آن، کامل و تام بودن این دین نهایی است که رهبر آن فرمود:

مردم! تقوای الهی پیشه کنید؛ من هر چه را که شما را به بهشت نزدیک می‌کند و از دوزخ

دور می‌سازد برایتان بیان کردم. (۱۴)

بنابراین اسلام، حاوی همه ارزشهای انسانی است و دفاع و حمایت از آن، مواظبت و مراقبت از همه خوبی هاست و مهم‌ترین منظور مؤمنان در دفاع از کیان اسلام و ممالک اسلامی نیز همین است و آرمان آنان، فراگیر شدن این ارزشها در میان همه اهل عالم و سعادت‌مند شدن ایشان است.

۱/۲ - بازدارندگی نابخردان

تبهکاران نابخرد - که بر اثر ستم و جنایت فطرتشان مسخ شده است - چشم دیدن پاکی‌ها و پاکان را ندارند و کمر به نابودی آنان می‌بندند؛ مثلاً آنها به حضرت شعیب اعتراض می‌کردند که چرا نمازی می‌خوانی که با آیین و خدایان ما در تضاد است.

أَصْلُوئُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَتَّوَكَّأَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا (هود / ۸۷)

آیا نمازت به تو دستور می‌دهد که ما آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند، ترک کنیم

و قوم تبهکار لوط نیز حکم اخراج پیامبر خدا و مؤمنان را به خاطر پاکی آنان صادر کردند؛

... أَخْرَجُوهُمْ مِنْ قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَبْتَطِهُوْنَ (اعراف / ۸۲)

اینها را از شهر و دیار خود بیرون برانید که مردمی پاک‌نهاد و پاکی خواهند.

همچین رسول گرامی اسلام را مجبور کردند که از زادگاه و خانه خویش بیرون برود.

برای بازداشتن دشمنان اسلام و معنویت، به آمادگی دفاعی و امروزه تجهیزات و نفقات و فن

آوری و دانش نظامی نیاز است. قرآن مجید نیز تصریح کرده که اگر دفاع نباشد، اصولاً مراکز

فرهنگی و عبادی به دست ضد خدایان بی فرهنگ ویران خواهد شد:

وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ لِلنَّاسِ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ

فِيهَا أَسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا... (حج / ۴۰)

اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد

یهود و نصاری و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد.

۱/۳ - حفظ صلح و امنیت

حیات و پیشرفت هر جامعه مرهون برنامه ریزی دقیق دراز مدت است که بایستی در

سایه آرامش و امنیت تحقق پذیرد و امنیت و آرامش، دستامد اقتدار ملی و آمادگی دفاعی است و به همین دلیل قرآن مجید به مسلمانان چنین دستور می‌دهد:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ
وَأَخْرَيْنَ مِنْ دُونِهِمْ لَاتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ (انفال / ۶۰)

هر نیرویی در توان دارید برای مقابله با دشمن، فراهم سازید و نیز اسبهای ورزیده، تا به وسیله آن دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و نیز گروه دیگری غیر از اینها را که شما نمی‌شناسید و خدا آنها را می‌شناسد.

در این آیه، مسلمانان به آمادگی فرا زمانی فرا خوانده شده‌اند که «علاج واقعه را قبل از وقوع باید کرد.» و باید گفت اصل راهبردی «ارهاب» پیشرفته‌ترین اصل دفاعی است که هر نوع دشمنی را از اندیشه شیطانی هجوم به میهن اسلامی یا هر گونه حرکت ایدایی و تخریبی در میدان‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و غیره باز می‌دارد. واژه کوچک «قوه» از محتوای بزرگی برخوردار است و نه تنها فن آوری نظامی مدرن و فرا مدرن را در بر می‌گیرد که هر گونه وسیله مشروع و آمادگی را شامل می‌شود و مسلمانان را موظف می‌کند که در هر صحنه پیکاری همواره چند گام از دشمن جلوتر باشند تا دشمن - هر که باشد - فرصت کمترین هجوم به حریم میهن اسلامی را نیابد و چنین اندیشه شیطانی را به ذهن خود راه ندهد!

۱/۴ - برداشتن موانع معنویت

اسلام، هیچ مرزی را برای گسترش اندیشه توحیدی و ارزشی خود به رسمیت نمی‌شناسد، همه زمین را از آن خدا و همه انسانها را بنده او می‌داند که باید در راه رشد و تعالی و کسب معنویت آزاد باشند. حال اگر فرد یا گروه و حکومتی مانع چنین تکاملی شود، بر مسلمانان فرض است که چنین مانعی را از سر راه خدا بر دارند. قرآن مجید می‌فرماید:

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَتَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ ... (بقره / ۱۹۳)

و با آنان پیکار کنید تا فتنه (بت پرستی و سلب آزادی از مردم) باقی نماند و دین، مخصوص خدا گردد.

حضرت امام خمینی (ره) در این باره می‌فرماید:

اینجا که جنگ می‌کردند با مخالفین توحید، مقصدشان این نبود که جنگ بکنند و طرف را از بین ببرند، مقصود اصلی این بود که توحید را در عالم منتشر کنند، دین حق را در عالم منتشر کنند، آنها مانع بودند، اینها می‌دیدند که این مانع را باید برداشت و به مقصد رسید. (۱۵)

عوامل تضعیف ایمان

آفت‌های گوناگونی سبب نابودی یا تضعیف ایمان واقعی و آگاهانه می‌گردد که مؤمن باید نسبت به آنها شناخت داشته باشد و ایمان خویش را در برابر آنها ایمن سازد از جمله:

۱- خدا فراموشی: ذات اقدس الهی به طور دمام بر همه آفریدگان فیض و رحمت عطا می‌کند و مؤمن به تناسب ارتباط خویش با خدا از فیض و معنویت بیشتری بهره‌مند خواهد شد، چنانکه خداوند به انسانها فرمود:

فَاذْكُرُونِي أَذْكَرُكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ (بقره: ۱۵۲)

پس به یاد من باشید تا به یاد شما باشم و سپاس مرا گوئید و در برابر نعمتهایم کفران نکنید. آن سوی این معادله که غفلت از یاد خداست مؤمن را به وادی خطرناکی می‌کشاند که حتی خوبستن را فراموش می‌کند و در واقع هیچ و پوچ می‌شود به همین دلیل قرآن مجید چنین هشدار می‌دهد:

«وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (حشر/ ۱۹)

و همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به «خود فراموشی» گرفتار کرد آنها فاسقان‌اند.

۲- کم توجه شدن به عبادات: عباداتی که با قصد تقرب به بارگاه قدس ربوبی انجام می‌گیرد، بسان سوختی است که چراغ ایمان و هدایت را همواره فروزان نگه می‌دارد و اجازه نمی‌دهد به خاموشی گراید و به همین دلیل باید به طور مرتب و به فاصله چند ساعت از این طریق با خدا رابطه برقرار کنیم تا رشته ایمان قطع نگردد. در میان عبادات، نماز به عنوان سمبل معنویت و شاخص عبادات معرفی شده که بهترین و آسان‌ترین راه ارتباط با خداست. رسول خدا (ص) نماز را «نور چشم» نامیده است^(۱۶) و به جای آوردن آن خاری در چشم دشمنان خدا و معنویت است، سستی در امر نماز، در واقع بی‌اعتنایی به مجموعه عبادات و معنویات است، به همین دلیل قرآن مجید بیش از عبادات دیگر، به طور مکرر بر ادای نماز تأکید می‌کند، و بی‌اعتنایی به آن را مساوی با عدم معنویت می‌داند:

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ «(مریم: ۵۹)

پس از آنان، فرزندان ناشایستی روی کار آمدند که نماز را تابه ساختند و از شهوات پیروی کردند. یعنی با تباه کردن نماز به بقیه عبادات و معنویات نیز پشت پا زدند و در نتیجه در وادی شهوت و گناه سقوط کردند.

۳ - دنیا طلبی: دنبال جاه و مقام و مکتب و ثروت رفتن و فزون طلبی و تکاثر نسبت به دنیا به جای تکاثر در دانش و معنویت نیز دقیقاً با ایمان آگاهانه در تضاد است. از حضرت عیسی (ع) نقل شده که فرمود:

همان طور که آب و آتش در یک ظرف جمع نمی‌شوند، دنیا دوستی و آخرت گرایبی نیز در یک دل جای نمی‌گیرند. (۱۷)

رهبر فرزانه انقلاب - حضرت آیه الله خامنه‌ای (مدظله العالی) - در مورد دنیا دوستی و رها کردن معنویات و آرمان‌های انقلاب چنین هشدار می‌دهند:

«دنبال شهوت رانی‌ها و هوسها و در یک جمله دنیا طلبی رفتن و به فکر جمع آوری ثروت و مال بودن و التذاذ و به دام شهوت دنیا افتادن و اصل دانستن اینها و فراموش کردن آرمان‌ها، این درد اساسی و بزرگ است و ما هم ممکن است به این درد دچار شویم.» (۱۸)

۴ - ظلم و ستم: هرگونه ستم نسبت به بندگان و مخلوقات خدا خشم و غضب الهی را در پی دارد و هرگز با ایمان سازگار نیست. امام علی (ع) می‌فرماید:

ظَاهَرَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ بِالْعِنَادِ مَنْ ظَلَمَ الْعِبَادَ (۱۹)

هر کس به بندگان خدا ستم کند، آشکارا به دشمنی خدا برخاسته است.

و چنین حالتی چگونه با ایمان سازگار است؟ مرحله بالاتر، ستم ناپذیری است و مؤمن آگاه نه تنها ستم نمی‌کند که زیر بار ستم هم نباید برود که ستم‌پذیری نیز آفت مؤمنان است و عالی‌تر از آن ستم‌ستیزی است که با درجات عالی ایمان هماهنگی دارد.

۵ - ترک امر به معروف و نهی از منکر: دو اصل مترقی نظارت عمومی «امر به معروف و نهی از منکر» - که از ابتکارات اسلام و ضامن اجرای قوانین است - همواره به ایمن‌سازی و تطهیر جامعه اسلامی و فراهم کردن زمینه‌های رشد و تعالی معنوی منجر می‌شود و از صفات بارز مؤمنان آگاه است چنانکه عکس آن - یعنی امر به منکر و نهی از معروف - از صفات بارز منافقان است. (۲۰)

ترک امر به معروف و نهی از منکر نه تنها مخالف ایمان، که مخالف عقل و خرد و متضاد با انسانیت و حتی زندگی است، به همین دلیل حضرت امیر (ع) می‌فرماید:

مَنْ تَرَكَ اَتَاكَرَ الْمُنْكَرِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ فَهُوَ مَيْتٌ بَيْنَ الْاَحْيَاءِ (۲۱)

هر کس با قلب و زبان و دست خویش جلوی منکر را نگیرد، مرده متحرک است.

۶ - فرار از جهاد: جهاد در راه خدا از والاترین درجات ایمان است که بهای آن رضا و

خشنودی خداست و مؤمن مجاهد در یک معامله پرسود، جان خود را در ازای رضای الهی سودا می‌کند:

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ... (بقره: ۲۰۷)

برخی از مردم، جان خود را در ازای خشنودی خدا می‌فروشند.

دفاع از اسلام، مسلمانان و ممالک اسلامی و پیکار با کفار و مخالفان اسلام، دستور صریح قرآن مجید و لازمه ایمان بلکه مقوم آن است. اگر مؤمنی بدون عذر شرعی و با بهانه تراشی یا ترس، شانه از زیر آن خالی کند، در واقع به ایمان خویش پشت‌پا زده است. فرار از جهاد، فرار از اردوگاه توحید و ایمان به خداست که قرآن مجید آن را ممنوع کرده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا تُولُوهُمُ الْاُدْبَارَ (انفال: ۱۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با انبوه کافران در میدان نبرد رو به رو می‌شوید، به آنها پشت نکنید (و فرار ننمایید)

به همان نسبت که جهاد و مبارزه در راه خدا در تکامل روحی و معنوی مجاهد تأثیر فراوان دارد، و سبب بالندگی و قدرت جامعه اسلامی و عزت مسلمانان می‌شود، فرار از این مسؤلیت سبب انحطاط روحی و اخلاقی و ذلت و زبونی مسلمانان می‌گردد و کیفری جز دوزخ نخواهد داشت:

وَمَنْ يُؤَلِّمْ يَوْمئِذٍ دُبُرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَ مَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَ بِئْسَ الْمَصِيرُ (انفال / ۱۶)

و هر کس در هنگام نبرد، به دشمن پشت کند، مگر هدفش کناره‌گیری از میدان برای حمله مجدد یا به قصد پیوستن به گروهی (از مجاهدان) باشد، چنین کسی به غضب خدا گرفتار خواهد شد و جایگاهش دوزخ است که بد فرجامی است.

عوامل تقویت ایمان

عوامل چندی در پیدایش و تقویت ایمان تأثیر دارند که به بیان برخی از آنها می‌پردازیم:
۱ - لطف و عنایت الهی: عطا کننده اصلی ایمان، خداوند متعال است البته قابلیت و شایستگی افراد نیز در این مورد دخالت دارد. در قرآن مجید می‌خوانیم:

... وَ لَكِنَّ اللَّهَ حَبِيبٌ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانَ وَ زِينَةُ فِي قُلُوبِكُمْ وَ كَرَاهَةُ إِلَيْكُمْ الْكُفْرَ وَ الْفُسُوقَ وَ

الْمُغْضِيَانِ أُولَئِكَ هُمُ الرَّاشِدُونَ (حجرات / ۷)

ولی خداوند، ایمان را محبوب شما قرار داده و آن را در دلها پتان زینت بخشیده و نیز کفر و فسوق و گناه را منفور تان قرار داده است. کسانی که دارای این صفاتند هدایت یافته گانند.

۲ - دانش و بینش: معارف الهی و بینش صحیحی که از این رهگذر نصیب مؤمن می‌شود، ایمان را به ارمغان می‌آورد و آن را تقویت می‌کند. از رسول اکرم (ص) چنین روایت شده:

الْإِيمَانُ فِي عَشْرَةٍ؛ الْمَعْرِفَةُ وَالطَّاعَةُ وَالْعِلْمُ وَالْعَمَلُ وَالْوَرَعُ وَالِاجْتِهَادُ وَالصَّبْرُ وَالْيَقِينُ وَالرِّضَا وَالْتَّسْلِيمُ فَأَيُّهَا فَقَدْ صَاحِبُهُ بَطَلَ نِظَامُهُ (۲۲)

ایمان در ده چیز است؛ معرفت، اطاعت، دانش، عمل، ورع، کوشش، صبر، یقین، خشنودی و تسلیم (در برابر پروردگار) و هر کس یکی از این ده تا را از دست بدهد نظام ایمانش در هم می‌ریزد.

همان طور که آشکار است، برخی از امور دهگانه مزبور صراحت در دانش و معرفت الهی دارد و برخی همانند ورع و صبر و یقین و رضا و تسلیم به بینش فرد باز می‌گردد و مواردی نیز در بندهای آینده بیان خواهد شد.

۳ - تقوا و تهذیب نفس: تقوا و خودسازی سرفصل ایمان واقعی است و اگر کسی به این مهم همت نگمارد نمی‌توان او را مؤمن نامید. به همین دلیل حضرت امیر (ع) می‌فرماید:

يُسْتَدَلُّ عَلَى الْإِيمَانِ بِكَثْرَةِ التَّقْوَى وَ مَلِكِ الشَّهْوَةِ وَ غَلْبَةِ الْهَوَى (۲۳)

ایمان با تقوای فراوان و کنترل شهوات و تسلط بر هوای نفس ثابت می‌شود.

تربیت و تزکیه مؤمنان بخش وسیعی از رسالت پیامبران را تشکیل می‌دهد چنانکه بسیاری از آیات قرآن به همین مهم پرداخته است و سفارش همگان به تقوا در خطبه‌های نماز هفتگی جمعه برای تقویت این اکسیر گرانبهاست تا مؤمنان واقعی پی در پی در فضای تقوا و معنویت رشد کنند و بر ایمانشان بیفزایند.

۴ - پرستش و نیایش و انفاق: پرستیدن و نیاز بردن تنها شایسته ذات مقدس حق تعالی است چنانکه قرآن مجید می‌فرماید:

وَمَا أُمُورًا إِلَّا لِيُعْبَدُوا اللَّهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الَّذِينَ خُنَفَاءَ وَيَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ (بینه / ۵)

و فرمان نیافته‌اند جز این که خدا را پرستند در حالی که دین را برای او خالص کرده‌اند و از شرک به توحید گراییده‌اند و نماز را به پا دارند و زکات بپردازند و این است آیین

امت استوار.

همین طور در تأثیر فراوان پرستش و نیایش و انفاق در راه خدا بر ازدیاد ایمان می‌فرماید:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ * الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ * أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ (انفال: ۴ - ۷)

مؤمنان، تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دلهاشان ترسان می‌گردد و هنگامی که آیات او بر آنان خوانده شود، ایمانشان فروتر گردد و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند آنها که نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند، مؤمنان حقیقی آنها هستند، برای آنان درجاتی (مهم) نزد پروردگارشان است و برای آنان آمرزش و روزی بی‌نقص و عیب است.

۵ - اسوه‌های قرآنی و تاریخی: یکی از روش‌های تربیتی قرآن مجید، ارائه الگوهای موفق در میدان ایمان و عمل است؛ عالی‌ترین اسوه‌های قرآنی پیامبران الهی و سپس مؤمنان حقیقی هستند که داستان آنها در لا به لای آیات قرآن مطرح شده تا مؤمنان با تأسی به آنان راه و رسم دینداری را بیاموزند. در میان پیامبران بزرگ، نام و یاد و عملکرد حضرت موسی (ع) پیش از دیگران در قرآن مطرح شده و شاید علت آن، درگیری آن پیامبر عظیم‌الشأن با مظهر طاغوت یعنی فرعون بوده است و سختی‌ها و رنجهایی که در راه مبارزه تحمل کرده است و قطعاً خواست خداوند این است که مؤمنان واقعی همانند حضرت موسی (ع)؛

- بنده خالص خدا و مطیع فرمان او شوند و زیر بار ستمگرترین طاغوت زمانه نیز نروند و بر پروردگار خویش توکل کنند.

- باور کنند که فرجام مبارزه و جهاد در راه خدا شیرین است و دشمنان خط خدا - هر که باشند و هر چه مقاومت کنند - در نهایت نابود خواهند شد و خط باطل حتماً زوال‌پذیر است. - امدادهای غیبی همچون سنتی قطعی و پایدار همواره شامل حال مبارزان راه خدا خواهد شد و خداوند هیچ‌گاه مؤمنان موحد را تنها نخواهد گذاشت.

همین طور سایر اسوه‌های قرآنی هر یک به نوبه خود به مؤمنان پیام صبر و استقامت و زهد و تقوا و خداپرستی می‌دهند و اقتدای به‌هریک از آنان برایمان و استواری در راه حق می‌افزاید.

تاریخ اسلام نیز سرشار از مردان خود ساخته‌ای است که در مکتب روح افزای آخرین شریعت الهی به قله‌های رفیع ایمان صعود کردند و ستارگان درخشان آسمان عقیده و جهاد گشتند چنانکه امام صادق (ع) فرمود:

ایمان دارای ده درجه است بسان نردبان که پله پله بر آن صعود کنند... مقدار در درجه هشتم، ابوذر در درجه نهم و سلمان در درجه دهم آن قرار داشت. (۲۴)

دریا دلان حماسه آفرین عاشورا نیز در جایگاهی از ایمان و اعتقاد قرار داشتند که سیدالشهدا (ع) درباره آنان فرمود:

إِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَاباً أَوْلَىٰ وَلَا خَيْراً مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتٍ أَبْرَّ وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي جَمِيعاً (۲۵)

من یارانی شایسته تر و بهتر از اصحاب خویش سراغ ندارم همچنین اهل بیتی نیکوتر و وفادارتر از اهل بیت خویش نمی شناسم! خدا به شما از سوی من جزای خیر دهد.

۶- انتظار فرج: ظهور منجی جهان از ستم و فساد و شرک و کفر و تباہی، نقطه عطف تاریخ بشر و حکومت جهانی امام عادل، ثمره زحمات همه پیامبران و موحدان است، به همین دلیل پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اگر بیش از یک روز از دنیا باقی نمانده باشد، خداوند آن یک روز را آن قدر طولانی خواهد کرد تا قائم ما ظهور کند و زمین را پر از عدل و قسط نماید.» (۲۶) در غیر این صورت، خط حق پرستان و حق جویان، ناتمام و ابتر خواهد بود و باغبان گلستان توحید، میوه شیرین پیروزی را نخواهد چید. بر این اساس ظهور آن سفر کرده - که صد قافله دل همراه اوست - سنتی الهی و تکمیل کننده سنتها و اراده قطعی خداست و ایمان به آن نیز کامل کننده ایمان راستین است که زمینه ساز بالندگی، امید به آینده و نوید دهنده پیروزی حق بر باطل در قسمت نهایی تاریخ است. امیرمؤمنان (ع) فرمود:

إِنْتَظِرُوا الْفَرَجَ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ فَإِنَّ أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِنْتَظَارُ الْفَرَجِ (۲۷)

منتظر فرج باشید و از روح الهی ناامید نگردید همانا محبوب ترین اعمال نزد خدای بزرگ انتظار فرج است.

منتظران واقعی فرج مهدی آل محمد (ص) همان مؤمنان واقعی و راستین هستند که با پشت گرمی به تاریخ گذشته قبیله ایمان و امید به آینده درخشان و پیروز فرجام تاریخ در مقطع عمر خویش با صلابت و استواری به زنده نگه داشتن روح ایمان و سلحشوری می ایستند و بازار تدبیر و تقوا را گرم نگه می دارند و از این رهگذر بر ایمان و اعتقاد خویش نیز می افزایند. به نظر شما کسی که در تمام عمر خویش با شمشیر آخته در رکاب پیامبر برای اسلام بجنگد چقدر ارزش دارد؟ چه اندازه در ایمان او تأثیر می گذارد؟ امام صادق (ع) انتظار فرج را مساوی با چنین جهادی دانسته و فرموده است:

الْمُنْتَظَرِ لِلثَّانِي عَشَرَ كَالشَّاهِرِ سَيْفَهُ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) يَدُبُّ عَنْهُ (٢٨)

منتظر امام دوازدهم بسان کسی است که با شمشیر کشیده پیش روی پیامبر می‌جنگد و از جان ایشان دفاع می‌کند.

او هر لحظه و ساعت و روز امید دارد که دولت کریمه حضرت مهدی (ع) تشکیل شود و همه انسانها به راه مستقیم بگردند و او نیز در پرتو حکومت عدل اسلامی آخرین ذخیره الهی به تکمیل کردن هر چه بهتر ایمان خود پردازد.

۷- انس با قرآن: تلاوت، تعلم، تدبر و تفقه در قرآن مجید، به طور مداوم بر عمق و اندازه

ایمان می‌افزاید. این حقیقت را قرآن مجید خود چنین بیان می‌کند:

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (انفال / ٧)

مؤمنان تنها کسانی هستند که هرگاه نام خدا برده شود، دلهایشان ترسان گردد و هنگامی که آیات او بر آنها خوانده شود، ایمانشان فزونی یابد و فقط بر پروردگارش توکل می‌کنند. چون قرآن، نور است و خواننده خود را به سوی نور دعوت می‌کند، حضور او در قلب، فکر، کسب و کار، محیط کار و زندگی، دل و روان آدمی را نورانی می‌کند و حال و هوای ملکوتی و روحانی به او می‌بخشد، الفبای زندگی‌اش را با حق و حقیقت تنظیم می‌کند، همواره اسوه‌های پاکی و طهارت را در نظرش مجسم می‌کند، نعمت‌های بهشتی را به او نشان می‌دهد، دورنمای سیاه گناه و بی‌دینی را برایش ترسیم می‌کند، دوزخ و عذاب‌های سخت آن را به او می‌باوراند و نیز راه‌های خودسازی، اندیشه صحیح، زندگی طیب و پاک، گنجینه‌های دانش و حکمت، آگاهی از گذشته و آینده و... را به روی او می‌گشاید که همگی زمینه ساز ایمان واقعی و آگاهانه است.

نقش ایمان در آمادگی دفاعی

ایمان مذهبی اکسیر گرانبهایی است که نصیب هر کس شود او را طلای خالص می‌کند چرا که یک منبع نور و انرژی پایان‌ناپذیر در وجودش پدید آمده که دایم در حال جوش و خروش است که همواره صاحبش را به تکاپو و تلاش وا می‌دارد؛

در اندرون من خسته دل ندانم کیست که من خموشم و او در فغان و غوغاست و حضرت امیر علیه السلام آن را آذرخش خاموش نشدنی می‌نامد؛

الایمانُ شَهَابٌ لَا يَخْبُؤُ (۲۹)

و مؤمن در پرتو این آذرخش به خیرات و برکات و ارزشهای بسیار والایی نایل می‌شود که برخی را به اختصار توضیح می‌دهیم.

۱ - هویت و تشکل: ایمان بسان حزبی تمام عیار با اساسنامه قرآنی و جهان شمول به هویت بخشی مؤمنان سراسر جهان می‌پردازد و همه آنان را به خدمت زیر پرچم توحید فرا می‌خواند و به جهاد همه جانبه علیه دشمنان بشر و دشمنان خدا و ارزشها دستور می‌دهد و مفهوم سخن نغز رسول خدا (ص) نیز شاید همین باشد که فرمود:

الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ تَتَكَافَى دِمَاؤُهُمْ وَهُمْ يَدُّ عَلَى مَنْ سِوَاهُمْ... (۳۰)

مؤمنان برادر یکدیگر و خونشان مساوی است و چون مشتى آهنین در برابر بیگانگانند. تشکل در «حزب الله» و «بسیج مستضعفین جهانی» و وظیفه مؤمنان آگاه و دلسوز است و تنها راه نجات اسلام و مسلمانان از چنگال گرگ‌های ستمگر امروز نیز همین است. معمار تیزبین و فقیه انقلاب اسلامی ابن پیشنهاد را مطرح کرده است:

باید بسیجیان جهان اسلام در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است. چرا که بسیج تنها منحصر به ایران اسلامی نیست، باید هسته‌های مقاومت را در تمامی جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد (۳۱)

۲ - عدالت خواهی: خداوند خود عدل مطلق است و دستور به عدالت داده و عدل و ایمان کاملاً با هم همسو و آمیخته هستند و به تعبیر امیرمؤمنان (ع):

الْعَدْلُ رَأْسُ الْإِيمَانِ (۳۲)

عدالت سرفصل ایمان است.

ایمان مذهبی، مؤمن را به گونه‌ای بار می‌آورد که در همه افکار، کردار و رفتار و گفتار خویش عادل باشد و بر محور عدالت بچرخد و نیز در صدد خشکاندن ریشه ستم و بارور کردن درخت عدالت در همه زمینه‌ها بر آید. اصولاً ایمان واقعی و آگاهانه، مؤمن را در برابر هر گونه ظلم و بی عدالتی حساس می‌کند و هرگز به او اجازه نمی‌دهد که در برابر ستم ساکت بنشیند و نظاره گر زورگویی و اجحاف و بی عدالتی ستمگران نسبت به مظلومان باشد. امیرمؤمنان (ع) چنین روحیه‌ای را پیمان الهی می‌داند که از آگاهان جامعه گرفته است:

وَمَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ أَنْ لَا يَقَارُوا عَلَى كِطَّةِ ظَالِمٍ وَلَا سَعَبِ مَظْلُومٍ (۳۳)

خدا از عالمان پیمان گرفته که در برابر شکمبارگی ستمگران و گرسنگی ستمدیدگان بی تفاوت نباشند.

حتی مؤمنان از سوی خداوند مورد عتاب قرار می‌گیرند که چرا برای رهایی مستضعفان بی پناه و ستم‌دیده دست به اسلحه نمی‌برند و با ستمگران نابکار پیکار نمی‌کنند.

وَمَا لَكُمْ لَأَتَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا... (نساء / ۷۵)

چرا در راه خدا و مردان و زنان و کودکانی که (به دست ستمگران) تضعیف شده‌اند، پیکار نمی‌کنید همان ستم‌دیدگانی که می‌گویند: «پرورگارا ما را از این شهر که اهلش ستمگرند رهایی بخش».

بر اساس این آیه، جهاد آزادببخش، برای کوتاه کردن دست ستمگران از سر مؤمنان مستضعف، امری مشروع و لازمه ایمان آگاهانه به خداست. همین ایمان، رادمردانی چون ابوذر غفاری را به مصاف با دشمنان عدالت می‌کشد. او هر گونه سختی و شکنجه و تبعید را تحمل می‌کند، ولی گفتار و رفتار ستمگرانه دستگاه خلافت را نمی‌پذیرد و در مدینه با عثمان و در شام با معاویه مبارزه می‌کند تا آنها را از بی عدالتی باز دارد. بلاذری می‌نویسد: عثمان مبلغ هنگفتی به مروان پسر حکم بخشید و سیصد هزار درهم به حارث پسر حکم و یکصد هزار درهم به زید پسر حارث. ابوذر با شنیدن این خبر فریاد بر آورد: گنجورها را مژده باد به عذاب دوزخ! عثمان او را به شام تبعید کرد. وقتی معاویه کاخ سبز دمشق را بنا کرد، ابوذر به او اعتراض کرد و گفت: اگر این کاخ را از بودجه بیت المال ساخته‌ای خیانت است و اگر از ثروت خود هزینه کرده‌ای اسراف است! معاویه نیز او را تحمل نکرد و صحابی با وفای پیامبر را به مدینه بازگرداند و در نهایت عثمان او را به روستای خشک و دور افتاده ربنده تبعید کرد و همانجا از دنیا رفت. (۳۴)

۳ - اولویت دادن به مصالح جهان اسلام: ایمان آگاهانه مؤمن را وادار می‌کند که همواره مصالح عمومی جهان اسلام را بر مصالح و منافع خصوصی خویش ترجیح دهد و دیدگاه اصلاحی فرا منطقه‌ای و جهانی داشته باشد. حضرت امیر (ع) پس از آنکه در حقیقت جفا شد و او را از مسئولیت خلافت و رهبری محروم ساختند، سکوت کرد و علت آن را نیز مصلحت اسلام دانست و فرمود:

شما نیک می‌دانید که من در احراز خلافت از دیگران شایسته‌ترم با این وصف به خدا سوگند مادامی که امور مسلمانان به سامان باشد و تنها در حق شخص من ستم شود، مسالمت خواهم کرد به امید دریافت پاداش و فضیلت چنین کاری و به زرق و برق ریاست - که شما سرگرم رقابت آیند - هیچ رغبتی ندارم. (۳۵)

۴ - آمادگی دفاعی: تاریخ گواه است که جامعه دینداران از اول تاریخ تا اکنون همواره مورد هجوم و کینه توزی دشمنان خدا و دین قرار داشته است و مؤمنان سلحشور نیز با تمام وجود از دین و آرمان خویش دفاع کرده‌اند:

وَكَأَيِّنْ مِنْ نَبِيِّ قَاتَلَ مَعَهُ رَبِّيُونَ كَثِيرٌ فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْأَصَابِرِينَ (آل عمران / ۱۴۶)

چه بسیار پیامبرانی که مردان الهی فراوانی در رکاب آنان جنگیدند. آنها هیچ گاه در برابر آنچه در راه خدا به آنان می‌رسید، سست و ناتوان نشدند (و تن به تسلیم ندادند) و خداوند استقامت کنندگان را دوست دارد.

اکنون نیز اسلام و مسلمانان به شکل‌های گوناگون در معرض تهدید جدی قرار دارند که مهم‌ترین ابزار زمینه ساز روحیه دفاع و حفظ کیان آنها، همان ایمان واقعی و آگاهانه است. حضرت امیر (ع) فرمود:

... وَلَا يَحْمِلُ هَذَا الْعِلْمُ إِلَّا أَهْلَ الْبَصْرِ وَالصَّبْرِ وَالْعِلْمِ بِمَوَاقِعِ الْحَقِّ... (۳۶)

پرچم مبارزه را جز آن که بصیرت و شکیبایی و دانش به جایگاههای حق داشته باشد کسی دیگری به دوش نخواهد کشید.

همانطور که هجوم دشمن در ابعاد گوناگون نظامی، اقتصادی، علمی و صنعتی، فرهنگی و عقیدتی، اخلاقی و اجتماعی و مانند آن رخ خواهد داد، آمادگی دفاعی نیز به تناسب هجمه و یورش دشمن باید تأمین شود و هر هجومی با سلاح مناسب خودش باید پاسخ داده شود. بنابراین، ایمان بسان موتور محرک، به مؤمنان، تحرک و نشاط می‌بخشد و در همه ابعاد آنان را تدارک و تأمین می‌کند. از جمله:

۴/۱ - ایجاد آمادگی روحی و اخلاقی: مخالفان دین، خواهان اشاعه فساد و فحشا در میان مردم هستند و از این رهگذر صلابت و استقامت مؤمنان را در هم می‌شکنند و بر سرنوشت آنها حاکم می‌شوند ولی ایمان همواره مؤمنان را به سوی پاکی و دوری از گناه فرا می‌خواند. به فرموده امیر مؤمنان (ع):

أَلَا إِيْمَانٌ شَجَرَةٌ أَصْلُهَا الْيَقِينُ وَفَرْعُهَا التَّقَى وَنُورُهَا الْإِحْيَاءُ وَتَمْرُهَا السَّخَاءُ (۳۷)

ایمان درختی است که ریشه‌اش یقین، شاخ و برگش تقوا، نورش حیا و میوه‌اش سخاوت است.

و در وصف مؤمن فرمود:

الْمُؤْمِنُ عَرْوٌ كَرِيمٌ مَأْمُونٌ عَلَى نَفْسِهِ حَذِرٌ مَحْزُونٌ (۳۸)

مؤمن، شریف، بزرگوار، خویشتن دار، محتاط و بیمناک است.

همین دوروایت کافی است که اذعان کنیم ایمان مذهبی دژ مستحکمی است که مؤمن رادر برابرگناه و فحشا ایمن می‌سازد و او را از آلودگی مصون می‌دارد و سبب می‌شود که ایمان داران برخلاف کافران و منافقان - که همواره در فساد و فحشا غوطه‌ورند - راه ترقی و تعالی اخلاقی را طی کنند و فرشته صفت با فرشتگان آسمانی به پرواز در آسمان معنویت و پاکی بپردازند.

۴/۲ - آمادگی علمی: مؤمن آگاه، هر پدیده را آفریده پروردگار قادر متعال می‌داند که به نوعی قدرت و حکمت الهی را نشان می‌دهد و کنکاش و تحقیق در پدیده‌ها همان «سیر در آفاق» است که همواره بر آگاهی و ایمان افراد می‌افزاید و از این رهگذر عظمت و شگفتی‌های جهان آفرینش را بیشتر درک می‌کنند. همچنین کشف فرمولهای علمی جهان و دسترسی به دانش‌های جدید ثمره این کاوش علمی است که مؤمن بدان نایل می‌شود و اصولاً ایمان بزرگ‌ترین انگیزه دانش است چنانکه اندیشه و تعقل لازمه ایمان و اعتقاد است.

امام علی (ع) می‌فرماید:

إِنَّ الْعِلْمَ حَلِيلُ الْمُؤْمِنِ وَالْحِلْمَ وَزِيْرُهُ وَالْعَقْلُ أَمِيرُ الْجُوْدِهِ (۳۹)

همانا دانش دوست مؤمن و بردباری وزیر او و خرد فرمانده لشکر اوست.

جالب‌تر اینکه قرآن مجید، از کار فرهنگی و علمی - به ویژه در رویارویی با دشمنان اسلام - تعبیر به «جهاد کبیر» کرده و فرموده است:

فَلَا تَطْعِ الْكٰفِرِيْنَ وَ جَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا (قرآن / ۵۲)

از کافران اطاعت مکن و به وسیله آن (قرآن) با آنان جهادی بزرگ بنما.

همین طور تلاش‌های علمی، مسافرت و مهاجرت برای کسب مهارت و تخصص و تقه در دین مورد سفارش قرآن است که در آیه نقر (توبه: ۱۲۲) بدان تصریح شده است.

۴/۳ - آمادگی فنی و نظامی: پیشرفت و ترقی در میدان علم و صنعت و فن آوری نیز لازمه ایمان واقعی است، چرا که مؤمن با به کارگیری عقل و خرد خویش همواره در صدد کسب دانش و فن آوری است و لحظه‌ای از تلاش و کوشش باز نمی‌ماند. باید گفت؛ پیشرفت جامعه بشری در این میدان مرهون دین و دین‌داران است و اصولاً مؤمنان، زیربنای علمی جامعه بشری را پی ریزی کرده‌اند. قرآن مجید نخستین آموزش صنعت نظامی را به خدا نسبت می‌دهد و می‌فرماید:

وَ عَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبِيْسٍ لَكُمْ لِيُحْصِنَكُمْ مِنْ بَاْسِكُمْ فَهَلْ اَنْتُمْ شٰكِرُوْنَ (انبیاء / ۸۰)

و ساختن زره را به خاطر شما به داود آموزش دادیم تا شما را در جنگ ایمن گرداند. آیا

شما سپاسگزار هستید؟

از سوی دیگر جامعه دینی همواره از سوی دشمنان نابخرد دین و معنویت تهدید می‌شود و تجربه نشان داده که آنان از هر وسیله‌ای برای نابودی مسلمانان استفاده می‌کنند و همواره با رونق زرادخانه‌های خویش بر طبل جنگ می‌کوبند و به همین دلیل مسلمانان نیز باید همواره پا به پای دشمن از دانش نظامی و تسلیحاتی برخوردار باشند تا از کیان اسلام محافظت کنند. از این رو قرآن مجید یک دستور العمل کلی و همیشگی برای آنان صادر کرده و فرموده است:

وَ اَعِدُّوْا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُوْنَ بِهٖ عَدُوَّ اللّٰهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ الْاٰخِرِيْنَ مِنْ دُوْنِهِمْ لَا تَعْلَمُوْنَهُمْ اللّٰهُ يَعْلَمُهُمْ... (انفال / ۶۰)

هر نیرویی در توان دارید برای مقابله با دشمن آماده سازید و نیز اسبهای ورزیده را تا بدان وسیله دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید و (همچنین) گروه دیگری را غیر از اینها، که شما نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد.

طبق این آیه، دستیابی به هر گونه دانش و فن آوری برای مقابله با دشمن نه تنها جایز که واجب و ضروری است و ترساندن دشمن در صورتی حاصل می‌شود که جامعه اسلامی از نظر فن آوری تسلیحاتی و لوازم آن برتر از دشمن باشد و تا این علت (برتری تسلیحاتی) محقق نشود، معلول (ارهاب دشمن) نیز حاصل نخواهد شد، حتی برابری تسلیحاتی نیز چنگی به دل نمی‌زند تا چه رسد به اکنون که دشمن دست بالا را گرفته و با سلاح هسته‌ای همه ممالک اسلامی را تهدید می‌کند.

۴/۴ - آماده باش رزمی: علاوه بر تهیه تجهیزات نظامی در حد ارهاب دشمن، آماده‌باش رزمی در حد ارهاب دشمن نیز ضروری است؛ به این معنا که در تکمیل دفاع راهبردی در بعد تسلیحاتی، آمادگی نیروهای رزم نیز ضرورت می‌یابد و این دو مکمل یکدیگرند. بنابراین پیشرفت در فنون نظامی، آموزش، سلامت و آمادگی جسمی و روحی و... نیز لازمه ایمان آگاهانه است که مؤمنان هرگز از آن غفلت نمی‌کنند چرا که به فرموده حضرت علی (ع): رحمت خدا شامل حالتان شود! برای پیکار با دشمن آماده شوید، به زمین نجسید که قرین زبونی گردید و خواری را همنشین شوید و کمترین نصیب را از آن خود سازید؛ زیرا مرد جنگ بیدار و هشیار است و هر که بخوابد دشمنش در کمین است و خفته نماند. (۴۰)

۵ - توکل و اعتماد به نفس؛ ایمان به انسان می‌آموزد که همه عالم و آدم دست پرورده خدا و در اختیار خدایند و تنها اوست که هر چه بخواهد می‌شود، حتی اراده و فکر دشمنان

تحت تأثیر اراده الهی است و این سخن درست است که «عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد» ایمان آگاهانه کاری می‌کند که مؤمن پس از اتکای به خدا، به خودش، آیینش، علم و آگاهی‌اش، توانایی‌ها و استعدادهايش تکیه کند، از بلند پروازی و خیال‌پردازی بپرهیزد، به دیگران دل نبندد، وابسته به قدرتهای ظاهری و پوشالی دشمنان نشود و با اطمینان و صلابت در صراط مستقیم اسلام گام بردارد. قرآن مجید به هر مؤمنی چنین توصیه می‌کند:

قُلِ اللَّهُ تَمَّ ذَرَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ (انعام / ۹۱)

بگو «خدا» و آنها را رهاکن تا در ژرفای [باطل] خود بازی کنند.

امام راحل (ره) با همین توکل و اعتماد مبارزه علیه رژیم منحوس پهلوی را شروع کرد و از شاه و نوکرانش و حامیانی چون آمریکا هرگز بیم به خویش راه نداد و پس از پیروزی انقلاب نیز که همه قدرتها در برابر انقلاب اسلامی صف آرایی کردند، فریاد برآورد:

من به تمام دنیا با قاطعیت اعلام می‌کنم که اگر جهانخواران بخواهند در مقابل دین ما بایستند، ما در مقابل همه دنیای آنان خواهیم ایستاد و تا نابودی تمام آنان از پای نخواهیم نشست، یا همه آزاد می‌شویم و یا به آزادی بزرگتری که شهادت است می‌رسیم. (۴۱)

در میدان نبرد نیز ایمان آگاهانه کاری می‌کند که انسان به امدادهای غیبی الهی یقین پیدا کند، دل به خدا بسپارد، مردانه بجنگد و هرگز از دشمن هراسی به دل راه ندهد و صحنه را خالی نکند. در جنگ‌های صدر اسلام، بسیاری از امدادهای غیبی - که به پیروزی سپاه اسلام منجر می‌شد - بر اثر همین توکل و اعتمادی بود که از ایمان رزمندگان اسلام نشأت می‌گرفت. در جنگ بدر در یادلان مؤمن، با ایمان به درستی راهی که انتخاب کرده بودند، بر دشمن هجوم بردند و با توکل بر خدا جنگیدند و خداوند نیز سه هزار فرشته آسمانی را به یاری آنان فرستاد و باز نوید داد:

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُواكُم مِّن قَوْرِهِمْ هَذَا يُضِدُّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلَافٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ (آل عمران / ۱۲۵)

آری (امروز هم) اگر استقامت و تقوا پیشه کنید و دشمن به همین زودی به سراغ شما بیاید، خداوند شما را به پنج هزار نفر از فرشتگان - که نشانه‌هایی با خود دارند - مدد خواهد داد.

در هشت سال دفاع مقدس نیز رزمندگان سلحشور اسلام به طور مدام از چنین امدادهایی برخوردار بودند که در پرتو ایمان مذهبی آنان رقم می‌خورد. حضرت امام خمینی (ره) در پیامی که پس از پیروزی چشمگیر دلاوران سپاه اسلام در عملیات غرور آفرین «فتح المبین» صادر کرده فرمود:

«آفرین بر شما که میهن خود را بر بال ملائکه الله نشاندید... این جانب از دور، دست و بازوی قدرتمند شما را - که دست خداوند بالای آن است - می‌بوسم و بر این بوسه افتخار می‌کنم.» (۴۲)

نقش آفرینی ایمان محکم و آگاهانه تا حدی است که مومن را در کوران جنگ و جهاد حتی وقتی که دیگر نیروها مأیوس و سرخورده باشند، شاداب و امیدوار نگه می‌دارد و به خدا وصل می‌کند و همین وصل شدن نیز بارقه پیروزی می‌شود و صحنه نبرد را به سود جبهه حق تغییر می‌دهد چنانکه در برخورد مؤمنان همراه موسی (ع) با فرعونیان چنین شد:

فَلَمَّا تَرَأَى الْأَجْمَعَانِ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَى إِنَّا لَمُدْرِكُونَ * قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ
(شعرا: ۶۲ - ۶۱)

هنگامی که دو گروه یکدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: ما در چنگال فرعونیان گرفتار شدیم! (موسی) گفت: چنین نیست! یقیناً پروردگارم با من است و خیلی زود مرا هدایت می‌کند!

حضرت موسی (ع) با ایمان واقعی و آگاهانه بر خدا توکل کرد و اطمینان داشت که خداوند او را مدد خواهد کرد و چنین نیز شد و خداوند خیلی سریع به کمک موسی آمد و به او وحی کرد که عصایش را به دریا بزند و در نتیجه همه موسویان نجات یافتند و در عوض همه فرعونیان همراه فرمانده نابکار خود غرق شدند. (۴۳)

۶ - حق طلبی و استقامت: امام صادق (ع) درباره ایمان حقیقی و آگاهانه فرمود:

أَنَّ مِنْ حَقِيقَةِ الْإِيمَانِ أَنْ تُؤْتِرَ الْحَقَّ وَإِنْ ضَرَّكَ عَلَى الْبَاطِلِ وَإِنْ نَفَعَكَ (۴۴)

از حقیقت ایمان این است که حق را - گرچه به زیانت باشد - بر باطل - گرچه به سودت باشد - ترجیح دهی!

ایمان سبب می‌شود که انسان همواره و همه جا حق جو، حق گو، حق پو و حق طلب باشد و همین حق طلبی انگیزه می‌شود که مؤمن در مصاف با باطل گرایان و باوه جویان، هیچ گونه سستی به خود راه ندهد و حتی اگر هزار جان داشته باشد حاضر است آن را در راه حق خدا کند؛ چنانکه شهید محمد جهان آرا و تعداد دیگری از سلحشوران سپاه اسلام در دفاع از کیان انقلاب و اسلام تا آخرین نفس و آخرین نفر با چنگ و دندان از خرمشهر مظلوم دفاع کردند و ۳۴ روز دشمن را پشت دروازه شهر نگه داشتند و چنین استقامتی جز در پرتو ایمان آگاهانه میسر نخواهد شد همان گونه که سربازان عراقی در فتح خرمشهر بیش از چهار روز

مقاومت نکردند و با اینکه تجهیزات و نفرات آنان با مقاومتان اولیه شهر قابل مقایسه نبود. عدم پایداری و تسلیم ارتش عراق و در نتیجه سقوط رایگان این کشور در برابر سربازان آمریکایی نیز چیزی جز عدم ایمان و بی انگیزگی عراقی‌ها نبود و «بین تفاوت ره از کجاست تا به کجا!»

امیر مؤمنان (ع) - که به عالی‌ترین ایمان دست یافته است - می‌گوید:

وَاللّٰهُ لَوْ تَطَاهَرَتِ الْعَرَبُ عَلٰى قِتَالِى لَمَا وَكَيْتُ عَنْهَا وَ لَوْ اَمَكَنْتِ الْفُرْصَ مِنْ رِفَاقِهَا
لَسَارَعْتُ اِلَيْهَا... (۴۵)

به خدا سوگند اگر همه عربها به پیکار من آیند، به صحنه نبرد پشت نکنم و اگر فرصتی فرا

چنگ آید، به زدن گردن یکایک آنان خواهم شتافت!

ولی نبود چنین ایمانی در میان انبوه کسانی که ادعای تدین و مسلمانی می‌کردند، سبب شد که آن حضرت در برابر جبهه باطل بنی امیه تن به حکمیت بدهد که در نتیجه معاویه و بنی امیه هزار ماه بر سرنوشت اسلام و مسلمانان مسلط شوند. آن جناب از مردم سست عنصر و غیر بصیر آن زمان چنین گلابه می‌کند:

فَيَا عَجَبًا عَجَبًا وَ اللّٰهُ يُمِيتُ الْقَلْبَ وَ يَجْلِبُ الِهَمَّ اجْتِمَاعُ هٰؤُلَاءِ الْقَوْمِ عَلٰى بَاطِلِهِمْ وَ تَفَوُّقُكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ... يَا اَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَ لَا رِجَالَ حُلُومِ الْاَطْفَالِ وَ عَقُولُ رَبَّاتِ
الْحِجَالِ... فَاتَلَكُمُ اللّٰهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِى قِيحًا وَ سَخَنْتُمْ صَدْرِى غَيْظًا (۴۶)

شگفتا شگفتا! به خدا سوگند چنین وضعی دل را می‌میراند و اندوه می‌آورد که این گروه (بنی امیه) بر باطل خویش همداستان‌اند و شما از محور حق خویش پراکنده‌اید!... ای مرد نمایان نامرد! که در خامی چون کودکانید و در عقل و تدبیر چون عروسان حجله آرا!... خدایتان بکشد که قلبم را خون کردید و سینه‌ام را از خشم آکندید!

۷ - حماسه آفرینی: ایمان مذهبی حماسه آفرین است و مؤمن با سری پرشور نهنگ‌آسا به امواج بلا می‌زند، رکورد غیرت و شهامت را می‌شکند و شگفتی می‌آفریند. ابن‌ابی‌الحدید - از علمای اهل سنت معتزلی - درباره حماسه آفرینی حضرت سیدالشهداء (ع) می‌نویسد:

سرور حماسه سازان جهان حضرت ابو عبدالله الحسین (ع) است که حمیت و غیرت را به مردم آموخت و مرگ در پرتو برق شمشیرها را بر زندگی ذلت بار ترجیح داد و همراه یارانش زینهار دشمن را پذیرفت و تن به زبونی نداد. (۴۷)

در شب عاشورا امام حسین (ع) به اصحابش اجازه رفتن یا ماندن داد، هر یک از آن

دریادلان با سخنانی حماسی پایداری خود را تا آخرین قطره خون اعلام داشتند؛ سعید بن عبدالله حنفی گفت: به خدا سوگند اگر مرا هفتاد مرتبه بسوزانند و باز زنده شوم، دست از یاری شما بر نمی‌دارم؛ زهر بن قین گفت: به خدا سوگند دوست دارم هزار بار در راه حمایت از شما و خاندان پیامبر کشته شوم! (۴۸)

دلاوران میدان توحید و ایمان آگاهانه در نهضت و انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی نیز از چنین روحیه‌ای برخوردار بودند؛ امام امت درباره حماسه سازان دوران نهضت فرمود:

زجر ما این است که ما را حبس کردند یا زندان بردند یا زجر این است که پای بعضی از علما را اره کردند (اشاره به آیه‌الله غفاری) آقا! توی روغن سوزاندند زجر ما این است که ۱۰ - ۱۵ سال ۷ - ۸ سال علمای ما در حبس هستند. (۴۹)

و روح حماسی و پرشور ملت مسلمان ایران را در هنگامه جنگ چنین ستود:

...امروز می‌بینیم که ملت ایران از قوای مسلح نظامی و انتظامی و سپاه و بسیج تا قوای مردمی از عشایر و داوطلبان و از قوای در جبهه‌ها و مردم پشت جبهه‌ها با کمال شوق و اشتیاق چه فداکاریها می‌کنند و چه حماسه‌ها می‌آفرینند و می‌بینیم که مردم محترم سراسر کشور چه کمک‌های ارزنده می‌کنند و می‌بینیم که بازماندگان شهدا و آسیب‌دیدگان جنگ و متعلقان با چهره‌های حماسه آفرین، با گفتار و کرداری مشتاقانه و اطمینان‌بخش با ما و شمار و برو می‌شوند و اینها همه از عشق و علاقه و ایمان سرشار آنان است به خداوند متعال و اسلام و حیات جاویدان. در صورتی که نه در محضر مبارک رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) هستند و نه در محضر امام معصوم (صلوات الله علیه) و انگیزه آنان ایمان و اطمینان به غیب است. (۵۰)

۸ - عرفان و معنویت: ایمان مذهبی، رزمندگانی تربیت می‌کند که حماسه را با عرفان عجین می‌کنند و در لابلای چکاچک شمشیرها صدای بال ملائک را می‌شنوند، سنگر را حجله عشق می‌کنند و از میان آتش و خون، نقبی به عرش حق می‌زنند و تن در سلسبیل کوثر می‌شویند. ایمان و عرفان، خواب از چشمشان می‌رباید و شب را با نماز و نیایش و زمزمه تلاوت قرآن و مناجات به صبح می‌رسانند. قرآن مجید اوصاف بارز باران واقعی محمد (ص) را چنین بازگو می‌کند:

تَرَاهُمْ رُكْعًا سَجْدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ
الْسُّجُودِ... (فتح: ۲۹)

پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود فراوان می‌بینی در حالی که همواره فضل و رضای الهی را می‌طلبند؛ نشانه آنها در چهره‌شان از اثر سجده نمایان است.

امام صادق (ع) فرمود:

روزی پیامبر اکرم (ص) پس از نماز صبح جوانی را مشاهده کرد که نمی‌توانست سرش را نگه دارد، رنگش پریده، جسمش نحیف شده و چشمانش گود رفته بود. پیامبر از او پرسید «حالت چطور است؟» عرض کرد: یا رسول الله در حال یقین هستم، رسول خدا (ص) از این سخن تعجب کرد و پرسید هر چیزی حقیقتی دارد، حقیقت یقین تو چیست؟ گفت: یا رسول الله یقین من، مرا غمگین کرده و خواب را از چشمم ربوده و دلم را از دنیاکنده است، من گویا به عرش پروردگارم نظاره می‌کنم که برای حساب آماده گشته و خلائق برای حسابرسی محشور شده‌اند و من هم در میان آنانم گویا بهشت را می‌بینم که بهشتیان در آن مشغول بهره‌مندی از نعمت‌هایند و بر تختها تکیه زده‌اند و همچنین گویا دوزخیان را می‌بینم که در آن معذبند و فریاد می‌کشند. پیغمبر فرمود: این بنده‌ای است که خدا قلبش را با ایمان منور کرده است. (۵۱)

گفت پیغمبر صباحی زید را	کیف اصیحت ای رفیق با صفا؟
گفت عبداً مؤمناً باز اوش گفت	کو نشان از باغ ایمان گر شکفت؟
گفت تشنه بوده‌ام من روزها	شب نخفستم ز عشق و سوزها
گفت خلقان چون ببینند آسمان	من ببینم عرش را با عرشیان
هشت جنت هفت دوزخ پیش من	هست پیدا همچو بت پیش شمن
یک به یک وا می‌شناسم خلق را	همچو گندم من زجو در آسیا (۵۲)

۹ - ولایت مداری: در قرآن مجید می‌خوانیم:

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ... (بقره / ۲۵۷)

خداوند، ولی و سرپرست کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ آنان را از تاریکی‌ها به سوی نور می‌برد.

در آیه ولایت (مائده: ۵۵) برای پیامبر و امام معصوم (ع) نیز چنین ولایتی به شکل سلسله مراتب ثابت شده، چنانکه در غیاب امام معصوم، ولایت به معنای رهبری و سرپرستی برای فقیه جامع الشرایط محرز است و اصولاً مؤمن باید تحت امر یک رئیس و سرپرست قرار داشته باشد و جامعه اسلامی بدون رهبر شایسته هرگز به مقصود نخواهد رسید و ملازمه میان ایمان و اطاعت از رهبران الهی در آیه زیر نمایان است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... (نساء: ۵۹)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر خدا و اولوالامر [= اوصیای پیامبر] را و هر گاه در چیزی نزاع داشتید آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [و از آنها داوری بطلبید] اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید.

وجود ایمان کاری می‌کند که مومنان بسان پروانه بر گرد وجود چون شمع رهبری بچرخند، تسلیم محض او باشند، اوامرش را اجرا نمایند، چون و چرا نکنند، توجیه گر نباشند و در عین اینکه فکر می‌کنند و نظر می‌دهند و با رهبری مشورت می‌کنند در نهایت نظر ولی امر را می‌پذیرند و اطاعت می‌کنند. در جنگ بدر، رسول اکرم (ص) به یارانش فرمود: نظر خود را برایم بیان کنید. هر کس هر نظری داشت بیان کرد. از جمله «مقداد» پس از اینکه نظرش را اعلام کرد، گفت: ای رسول خدا، ما به شما ایمان داریم و گواهی می‌دهیم هر چه از جانب خدا آورده‌ای حق است و در راه اجرای فرمان شما خود را به آب و آتش خواهیم زد! (۵۳)

امیرمؤمنان (ع) نمونه عالی ولایت مداری و تسلیم محض در برابر رهبری بود؛ ایشان در طول ۲۳ سال نبوت رسول اکرم (ص) گوش به فرمان رهبر بود، هرگز اعتراض و کم‌کاری نکرد، هیچ گاه منویات رسول خدا را توجیه نکرد و با گفتار و کردار خویش تابع و مؤید رهبری بود و جان و مال و زندگی خود را فدای این راه کرد.

همین روحیه در یاران با وفای امام و انقلاب موج می‌زند و شعار «ما همه سرباز توأیم خمینی، گوش به فرمان توأیم خمینی» واقعی و همراه شعور بود و همه مسوولان نظام و ملت سلحشور ایران تاکنون بدان پایند بوده‌اند و همه خود را سرباز رهبری می‌دانند چرا که ولایت ستون خیمه انقلاب است.

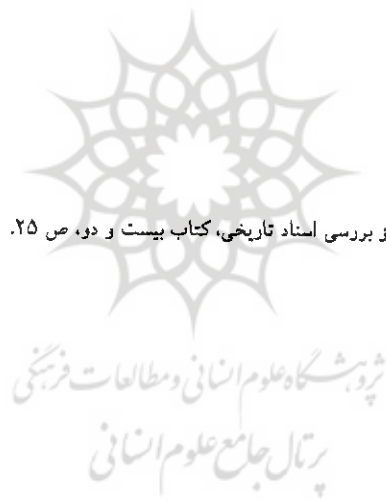
۱۰ - پاسداری از انقلاب و آرمانهای مقدس: انقلاب بر شکوه اسلامی و دستاوردهای عظیم و مقدس آن، ثمره مجاهدتهای طاقت فرسای مؤمنان واقعی در طول تاریخ است که بسان میوه‌ای شیرین بر درخت اسلام به ثمر نشسته و ارتباط ننگانگ با ایمان دارد و هر مؤمنی در سراسر دنیا وظیفه دارد از آن حمایت و پاسداری کند و حفظ نظام جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی لازمه اسلامخواهی و تدین و ایمان است. معمار بزرگ انقلاب حضرت امام خمینی قدس سره فرمود:

حفظ اسلام یک فریضة الهی است، بالاتر از تمام فرائض، یعنی هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست، اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگ‌ترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرائض است. (۵۴)

احیای اندیشه دینی، رونق نمازهای جمعه و جماعات، حجاب اسلامی، درآمد مشروع، تدوین قوانین جزایی و مدنی بر اساس اصول اسلامی، استقلال و آزادی، بصیرت سیاسی، هویت فرهنگی، عدالتخواهی، تقوا پیشگی، مساوات و عدالت اجتماعی، قانون اساسی، ارکان نظام اسلامی، روحیه شجاعت و پنجه در پنجه ابرقدرتها افکندن، دستاوردهای جنگ تحمیلی و... از آرمانهای مقدس و انقلابی است که مومنان واقعی بر حفاظت و حراست از آنها پای می‌فشارند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. فرهنگ معارف اسلامی، سجادی، ج ۱، ص ۳۶۴.
۲. مجموعه آثار، شهید مطهری، ج ۲، ص ۲۴.
۳. سوره انعام، آیه ۵۹ (وَ مَا سَقَطَ مِنْ رِزْقِهِ إِلَّا يُعْلَمُهَا).
۴. سوره زخرف، آیه ۸۴.
۵. نساء (۴)، آیه ۸۰.
۶. رک: تفابین (۶۴)، آیه ۸.
۷. بحارالانوار، ج ۱۰، ۱۲۰.
۸. میزان الحکمة، ج ۱، ص ۲۱۵.
۹. کافی، کلینی، ج ۲، ص ۴۵.
۱۰. همان.
۱۱. رک: فرهنگ جدید عربی - فارسی، المعجم الوسط، ج ۲، ص ۵۸۸ و منابع الفقهیه، کتاب الجهاد، ص ۲۹۵.
۱۲. صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۳۰.
۱۳. تحریرالوسیله، امام خمینی، ج ۱، ص ۲۸۵.
۱۴. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۷۰.
۱۵. صحیفه نور، ج ۷، ص ۴۴.
۱۶. بحارالانوار، ج ۱۶، ص ۲۴۹.
۱۷. بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۲۱.
۱۸. بیانات معظم له در تاریخ ۷۱/۴/۲۴.
۱۹. شرح غررالحکم، آمری، ج ۴، ص ۲۷۶.
۲۰. سوره توبه، آیه ۶۷.
۲۱. وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۶، ص ۱۲۲.
۲۲. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۷۵.
۲۳. شرح غرر الحکم، ج ۶، ص ۴۵۱.
۲۴. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۱۶۶.
۲۵. مقتل الحسین، مقوم، ص ۲۵۸.
۲۶. بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۳۴۰.
۲۷. همان، ج ۵۲، ص ۱۲۳.
۲۸. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۲۹.



- ۲۹. شرح غررالحکم، ج ۱، ص ۲۴۵.
- ۳۰. بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۱۳۸.
- ۳۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۵۳.
- ۳۲. شرح غرر الحکم، ج ۲، ص ۳۰.
- ۳۳. نهج البلاغه، خطبه ۳.
- ۳۴. الغدير، علامه امینی، ج ۸، ص ۴۱۴.
- ۳۵. نهج البلاغه، خطبه ۷۴.
- ۳۶. همان، خطبه ۱۷۳.
- ۳۷. شرح غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۷.
- ۳۸. همان، ص ۷۵.
- ۳۹. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۷.
- ۴۰. نهج البلاغه، نامه ۶۲.
- ۴۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۱۸.
- ۴۲. همان، ج ۱۶، ص ۹۶.
- ۴۳. مضمون آیات ۶۷ - ۶۳ سوره شعرا.
- ۴۴. بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۱۴.
- ۴۵. نهج البلاغه، نامه ۴۵.
- ۴۶. همان، خطبه ۲۷.
- ۴۷. شرح نهج البلاغه، ج ۳، ص ۲۴۹.
- ۴۸. مقتل الحسین، مقرر، ص ۲۱۴ - ۲۱۳.
- ۴۹. یاران امام به روایت اسناد ساواک، مرکز بررسی اسناد تاریخی، کتاب بیست و دو، ص ۲۵.
- ۵۰. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۲ - ۱۸۱.
- ۵۱. بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۷۴.
- ۵۲. مثنوی معنوی، دفتر اول، ص ۶۹.
- ۵۳. بحارالانوار، ج ۱۹، ص ۲۴۷.
- ۵۴. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۰۳.